

دعا برای باران یا شمع برای مدیریت؟!



علی فریدونی
عضو هیات علمی و شورای
نظام مهندسی، کشاورزی خراسان رضوی

نقب (Negheb) واقع در سرزمین‌های اشغالی فلسطین با برخورداری از بارندگی ۸۰-۱۰۰ میلی متری ۳-۳/۵ تن گندم برداشت می‌کنند! چرا شعری بگوییم که در قافیه‌اش بمانیم!

هفتم: وقتی دولتمردی به جای استقرار در ستاد دولت و یا وزارتخانه و انجام برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای صحیح آنها، اکثر اوقاتش را در روستاها و شهرستان‌ها می‌گذراند (کاری که وظیفه و ماموریت سازمانی روسای مراکز خدمات و یا مدیران شهرستان و استان‌هاست) و با امورات بی‌اهمیتی همچون پاسخگویی به تلفن و یا ابلاغ نشان وزارتخانه و جایه‌جایی هفته‌ها و... را وجهه‌ی همت خویش قرار می‌دهد، طبیعی است که از انجام صحیح و به موقع ماموریت اصلی‌اش که تامین امنیت غذایی است بازمانده و نهایتاً ناگزیر است به آسمان نگاه کند!

هشتم: وقتی علاوه بر تغییرات چندین باره مدیران دولتی در صف و ستاد، با مداخله‌ی مستقیم در انتخابات نظام مهندسی و سایر تشکله‌ها درصدد تغییر مدیریت در قسمت‌ی‌غیردولتی بخش هم باشند، آیا انگیزه‌ی برای ارایه نظرات کارشناسی به منظور ارتقای فنی و تخصصی و نهایتاً تداوم خودکفایی در بخش و تامین امنیت غذایی، متصور است؟! (به مدیران معزول و ورشکسته رای ندهید- اقتصاد پویا- دهه آخر فروردین ۱۳۸۵- سخنرانی در جمع ناظرین گندم خراسان رضوی- مشهد- جمعه ۸۵/۱/۲۵).

نهم: آقای وزیر باید بدانند که امنیت غذایی عموماً و خودکفایی گندم خصوصاً برای شهدای عزیز و امام شهدا (ره) یک آرمان ملی بوده و برای مردم و رهبری محترم نظام نیز از اهمیت فوق‌العاده‌ی برخوردار است و شاید به همین دلیل آقای حجتی تنها وزیر بود که از سوی ایشان به نام مورد خطاب قرار گرفته و کسب خودکفایی گندم از وی مطالبه شد و بالطبع نمایندگان مجلس نیز تحقق آن را پیگیری می‌کنند.

دهم: انتظار نداریم که وزیر جهاد کشاورزی مجدداً منتقدین خود را کسانی معرفی کند که در صدد هوا کردن او هستند؟! (سخنرانی در جمع نمونه‌ها به مناسبت هفته جهاد سازندگی- دنیای سبز- ۸۷/۴/۱) چه، اولاً: جایگاهی باقی نمانده که غبطه کسی را برانگیزد! ثانیاً منافع ملی و نیز پیشرفت کشور موضوعاتی هستند که در صورت به خطر افتادن آنها همه احساس مسؤلیت می‌کنند. راستی با توجه به اظهارات دیمی و آسمانی مسوولین محترم وزارت جهاد کشاورزی به قول دوستانمان در روزنامه خراسان نمی‌دانیم برای باران دست به دعا برداریم یا برای مدیریت مشعشع ایشان شمع روشن کنیم؟! (خراسان- ۸۷/۹/۱۶).

دلایل مهم شکست زود هنگام خودکفایی گندم و بیان این نوع اظهارات ضد و نقیض، عدم اجرای کامل طرح ده‌ساله گندم مطابق برنامه تنظیمی آن باشد!

به موجب این طرح- که در نتیجه زحمات پیشینیان و مدیریت مطلوب بخش و بخصوص بارندگی مناسب زودتر از موعد به نتیجه نهایی رسید- قرار بود در طی این مدت با ارتقای ضریب مکانیزاسیون، بهره‌وری آب، عملیات به‌زراعی و به‌نژادی گندم و نیز بهبود حاصلخیزی خاک و پیشگیری از ضایعات از مزرعه تا نانوائی و افزایش قیمت تضمینی متناسب با تورم و... مخصوصاً بسیج امکانات و منابع انسانی ذی‌مدخل در طرح اعم از مروجین، کارشناسان و مدیران صف و ستاد به حدی از پایداری در تولید گندم برسیم که اگر خشکسالی شکننده‌ی همچون سال گذشته به وقوع پیوست، با کاهش تولید و خرید قابل توجهی مواجه نشویم.

یازدهم: مجری طرح گندم بعد از معرفی به مجلس به عنوان وزیر، به جای اصرار بر ادامه‌ی اجرای طرح فوق و اخذ اعتبارات و امکانات بیشتر برای کسب موفقیت بیشتر و بهتر؛ نه تنها تداوم خودکفایی گندم را قطعی دانسته و قول صادراتش را داد که از خودکفایی در کلیه محصولات کشاورزی و مخصوصاً خودکفایی ۱-۳ ساله در جو، برنج، ذرت و دانه‌های روغنی (کاهش وابستگی به ۳۰ درصد) نیز سخن گفت؟! و جالب اینکه بدون نگاه کردن به آسمان! این قول‌ها را داد و اظهار داشت که اگر تحقق آنها عملی نشد، خودم می‌روم یا مرا ببرید! (نقل به مضمون) و جالب‌تر از آن، اینکه امروز که آن وعده محقق نشده و نمایندگان مجلس می‌خواهند به خواسته خودش جامه عمل بپوشانند! وزیر محترم به آسمان نگاهی می‌کند و مطالبات بر حق و کلای مردم را به خواسته‌های شخصی و منطقه‌ای فرو می‌کاهد؟!

ششم: وزیر محترم نه تنها به برنامه‌های مدیریت سابق وزارتخانه و از جمله همین برنامه‌ی ده‌ساله‌ی گندم توجهی نمود و ادامه نداد، که منکر وجود هر گونه برنامه‌ی از قبل شد؟! آیا اینکه سرنوشت خودکفایی گندم را بعد از آن همه شعار دادن به ابر و باد و مه و خورشید گره بزنییم برنامه‌ریزی است؟! آیا اینکه صرفاً خشکسالی را مقصر اصلی این ناکامی‌ها بدانیم، به نوعی توهین به بدنه کارشناسی فهیم و فرهیخته وزارتخانه نیست؟

وزارتخانه‌ای که از این حیث حتی قوی‌تر از وزارت علوم می‌باشد! اگر قرار بود صرفاً وضعیت اقلیمی تعیین‌کننده‌ی کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی باشد؛ چه نیازی به این تشکیلات عریض و طویل و این همه موسسات تحقیقاتی عمومی و تخصصی (محصولی) بود؟! اگر باطل السحر (راه حل) کلیه مسایل بخش کشاورزی وضعیت آب و هواست، چرا با توصیه گاوآهن قلمی و پنجه غازی و... به کشاورزان آنها را از دیمی‌کاری به دیم‌کاری واداشتیم؟! این اظهارات آسمانی و دیمی! در حالی بیان می‌شود که کشاورزان صحرای نگوو (Negev) یا

نخست: پارسال در چنین ایامی و متعاقب چند روز بارش برف و باران، وزیر جهاد کشاورزی ضمن تاکید بر تداوم خودکفایی گندم و حتی صادرات آن؛ از خودکفایی در همه‌ی محصولات کشاورزی؟! سخن گفت. با بروز علایم خشکسالی در اوایل سال جاری ضمن عقب‌نشینی از آن شعارها، به تدریج وقوع خشکسالی و کاهش قابل توجه تولیدات کشاورزی را پذیرفته و با واردات میلیون‌ها تن محصولات از جمله گندم، جو، حبوبات و... موافقت نمود.

دوم: با نزول بارش‌های چند روز اخیر، مجدداً شاهد اظهارنظر مشابهی از سوی ایشان بودیم (با توجه به بارندگی‌های اخیر دوباره به خودکفایی در تولید گندم می‌رسیم-خراسان ۸۷/۹/۱۶).

این سخنان وقتی قابل تأمل می‌شود که بدانیم گوینده‌ی آن وقتی مجری طرح گندم بود، نقش مدیریت را در کسب خودکفایی، تعیین‌کننده می‌دانست! این در حالی بود که مسوول اصلی کسب این موفقیت (وزیر پیشین) اظهار می‌داشت که خداوند گندم را خودکفا نمود!

سوم: در اینکه اقلیم و مدیریت مشترکاً در افزایش عملکرد گندم (به ویژه دیم موثرند، خدشه‌ای وارد نیست ولی مناقشه از آن جا آغاز می‌شود که ضمن بی‌احترامی به فهم عمومی و بخصوص در حوزه کارشناسی، نقش هر یک از این عوامل به فراخور وضعیت تولید، پیرنگ و یا کم‌اهمیت جلوه داده شود! مثلاً در حالی که کاهش تولید گندم در سال زراعی گذشته به وضعیت اقلیمی و بارندگی نسبت داده می‌شود، بدون اشاره به تفاوت نیازهای اکولوژیکی گندم و برنج، پایداری در تولید دومی دستاورد مدیریتی قلمداد می‌شود؟!

چهارم: گرچه در خصوص چرایی زود هنگام کسب خودکفایی گندم و خدشه‌ی زود هنگام‌تر به این دستاورد ملی، مطالب زیادی گفته و نوشته شده است، ولی به نظر می‌رسد یکی از

